

[مسأله 21 (عدول از فائته به حاضره) 1](#_Toc61387534)

[وجه جواز عدول 1](#_Toc61387535)

[مناقشه 2](#_Toc61387536)

[مسأله 22 (عدول از نافله به فریضه یا نافله) 2](#_Toc61387537)

[مسأله 23 (بطلان دو نماز در فرض عدم مشروعیت عدول) 2](#_Toc61387538)

[مسأله 24 (عدم مشروعیت عدول از ظهر به عصر) 2](#_Toc61387539)

[مسأله 25 (اشتباه مصداقی عدول) 3](#_Toc61387540)

[مسأله 26 (عدول پیاپی) 6](#_Toc61387541)

[مسأله 27 (عدول بعد از فراغ) 6](#_Toc61387542)

[ثمره جواز عدول از عصر به ظهر بعد از فراغ 7](#_Toc61387543)

**موضوع**: مسأله 21 تا 27 /نیت /واجبات نماز /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در فروض عدول از یک نماز به نماز دیگر بود که در جلسه فروض به پایان رسید.

مسائلی در رابطه با بحث نیّت باقی مانده است که بخشی از این مسائل تکرار گذشته است و لذا به بحث های گذشته ارجاع می دهیم و چند مطلب جدید وجود دارد که اشاره می کنیم؛

# مسأله 21 (عدول از فائته به حاضره)

لا يجوز العدول من الفائتة إلى الحاضرة ‌فلو دخل في فائتة ثمَّ ذكر في أثنائها حاضرة ضاق وقتها أبطلها و استأنف و لا يجوز العدول على الأقوى‌

اگر کسی قصد نماز قضا کرد نمی تواند در أثنای آن به نماز أدائی عدول کند چون عدول خلاف أصل است و نیاز به دلیل دارد.

## وجه جواز عدول

**مرحوم آشیخ علی جواهری در تعلیقه عروه فرموده اند**: «الجواز لایخلو من قوّه». ظاهراً مقصود ایشان استناد «انما هی اربع مکان اربع» است و از این تعبیر تعلیل استفاده کرده اند که چون این نماز با آن نماز متماثل اند می توان به آن عدول کرد، مثلاً نماز صبح أدائی با نماز صبح قضائی در عدد رکعات با همدیگر متماثل اند. در روایت بیان می کند علّت این که در نماز عصر یادش می آید نماز ظهر را نخوانده است می تواند به نماز ظهر عدول کند این است که «انما هی اربع مکان اربع» یعنی این نمازی که می خواند چهار رکعت است و نماز ظهر هم چهار رکعت است و عدول مانعی ندارد. حال اگر نماز عشاء بخواند و قبل از دخول در رکعت رابعه یادش بیاید نماز مغرب را نخوانده است به نماز مغرب عدول می کند به این خاطر که به محل اختلاف و ما به الامتیاز دو نماز نرسیده است که قابل رجوع نباشد.

### مناقشه

لکن ما قبلاً بیان نمودیم که نمی توان از تعلیل «انما هی اربع مکان اربع» تعلیل عام استفاده کرد مگر برای حکمی که در روایت ذکر شده است که «فانوها الاولی» است یعنی حکم مورد تعلیل «عدول از نماز لاحقه به سابقه» است و لذا عدول از نماز عصر به ظهر و از عشاء به مغرب جایز است و بیش از این استفاده نمی شود.

# مسأله 22 (عدول از نافله به فریضه یا نافله)

لا يجوز العدول من النفل إلى الفرض ‌و لا من النفل إلى النفل حتى فيما كان منه كالفرائض في التوقيت و السبق و اللحوق‌

در دو نافله مترتّبه نمی توان از یکی به دیگری عدول کرد مثلاً از أدای نافله ظهر به قضای نافله صبح نمی تواند عدول کرد زیرا عدول دلیل ندارد.

# مسأله 23 (بطلان دو نماز در فرض عدم مشروعیت عدول)

إذا عدل في موضع لا يجوز العدول بطلتا ‌كما لو نوى بالظهر العصر و أتمها على نية العصر‌

اگر در جایی عدول کند که نباید عدول کند هم نماز أول باطل می شود به این جهت که بعد از عدول نیّت نماز أول را ندارد و هم نماز جدید باطل می شود زیرا عدول به آن صحیح نبوده است.

مثال صاحب عروه این است که در أثنای نماز ظهر به نماز عصر عدول شود. لکن بهتر است مثال دیگری بیان شود زیرا در این مثال نماز عصر مشکل ترتیب پیدا می کند و از این جهت باطل می شود. مثال مناسب این است که در أثنای نماز قضای عشاء دیشب به قضای نماز صبح امروز یا قضای ظهر امروز عدول شود. البته اگر قبل از اتیان به جزئی از أجزاء نماز جدید از نیت خود پشیمان شود در حکم نیّت قطع است که اشکالی ندارد ولی اگر با نیّت عدول ادامه دهد هر دو نماز باطل خواهد بود.

# مسأله 24 (عدم مشروعیت عدول از ظهر به عصر)

لو دخل في الظهر بتخيل عدم إتيانها ‌فبان في الأثناء أنه قد فعلها لم يصح له العدول إلى العصر‌

اگر کسی فکر می کرد نماز ظهر را نخوانده است و مشغول نماز ظهر شد و در أثنای نماز ظهر متوجّه شد که نماز ظهر را خوانده است نمی تواند به عصر عدول کند.

مرحوم آشیخ علی جواهر فرموده اند عدول از ظهر به عصر به خاطر «انما هی اربع مکان اربع» صحیح است. ما جواب این استدلال را بیان قبلاً بیان نمودیم که تعلیل برای حکم «عدول از لاحقه به سابقه» است.

# مسأله 25 (اشتباه مصداقی عدول)

لو عدل بزعم تحقق موضع العدول‌ فبان الخلاف بعد الفراغ أو في الأثناء لا يبعد صحتها على النية الأولى كما إذا عدل بالعصر إلى الظهر ثمَّ بان أنه صلاها فإنها تصح عصرا‌ لكن الأحوط الإعادة‌

اگر کسی نماز عصر می خواند و فکر کرد نماز ظهر را نخوانده است و به نماز ظهر عدول کرد بعد متوجّه شد که نماز ظهر را خوانده بود؛ آیا این نماز به عنوان نماز عصر صحیح است؟ صاحب عروه صحیح دانسته است ولی اعاده را احتیاط مستحب دانسته اند.

**در رابطه با «الاحوط الاعاده» حاشیه های زیادی بر عروه زده شده است؛**

مرحوم آل یاسین فرموده اند بطلان خالی از قوّت نیست. مرحوم بروجردی، نائینی، حکیم و خوانساری فرموده اند بلکه أقوی اعاده است یعنی أقوی بطلان نماز است. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، مرحوم امام، مرحوم گلپایگانی و مرحوم آسید عبدالهادی شیرازی فرموده اند «لایترک» یعنی احتیاط واجب کرده اند که این نماز اعاده شود.

**فرض مسأله جایی است که:** هنگام عدول به نماز ظهر، مقداری از نماز را به عنوان نماز ظهر انجام می دهد؛ وگرنه اگر قبل از این که کاری را به عنوان نماز ظهر انجام دهد ملتفت شود و نیّت عصر کند اشکالی ندارد و از نیّت قطع بدتر نیست. حتّی اگر جزء غیر رکنی را انجام دهد مثل این که حمد و سوره را به عنوان نماز ظهر بخواند و ملتفت شود نهایت این است که حمد و سوره را اعاده می کند و لذا فرض مسأله جایی است که رکنی را مثلاً رکوع را به نیّت نماز ظهر انجام داده است که در این فرض اشکال وجود دارد.

**برای تصحیح این نماز دو راه وجود دارد؛**

**راه أول تمسّک به مقتضای قاعده است**: این شخص از این جهت از نماز عصر عدول کرد و قصد نماز ظهر کرده است که فکر می کرده است واجب در حق او قصد نماز ظهر است و این شخص خطای در تطبیق داشته است یعنی قصد امتثال واجب داشته است و چون تخیّل کرده است که واجب در حقّ او نماز ظهر است قصد نماز ظهر کرده است؛ حال یا در أثنای نماز یا بعد از نماز متوجّه می شود که واجب در حقّ او نماز عصر بوده است که از باب خطای در تطبیق بوده و مضرّ نیست.

کسانی مثل مرحوم بروجردی و آقای سیستانی و بزرگان دیگر که خطای در تطبیق را در عناوین قصدی اشکال می کنند این وجه را قبول ندارند به این خاطر که ظهر و عصر عنوان قصدی است و با عدول به نماز ظهر، قصد نماز ظهر شده است و لذا دیگر نمی تواند نماز عصر واقع شود و نماز عصر عنوان قصدی است و لذا آنچه به عنوان ظهر انجام داده است نمی تواند خود به خود عصر واقع شود.

بله، آقای سیستانی فرموده اند اگر واقعاً قصد امتثال این أمر موجود شارع را داشته باشد که وصفش این است که به نماز ظهر تعلّق گرفته است اشکالی ندارد؛ زیرا قصد نماز ظهر نکرده است بلکه این وجوب موجود را توصیف کرده است به این که به نماز ظهر تعلّق گرفته است که توصیف جزئی موجب تقیید آن نمی شود مثلاً توصیف زید به جهالت در عبارت «زیدٌ الجاهل» در صورتی که جاهل نباشد از باب خطای در توصیف است زیرا زید جزئی است و زید عالم و زید جاهل نداریم بلکه یک زید است که یا عالم است و یا جاهل است، ولی در تعبیر «الانسان العالم» به این جهت که انسان کلی است قابل تقیید است.

در محل بحث نیز اگر قصد نماز ظهر کند این نماز قابل تصحیح نخواهد بود، ولی اگر قصد امتثال این أمر موجود شارع که به نماز ظهر تعلّق گرفته است را دارم از باب خطای در توصیف خواهد بود. البته فرض صاحب عروه این گونه نیست زیرا تعبیر به «عدل الی الظهر» کرد.

**وجه دوم برای تصحیح این نماز تمسّک به روایات است**: که تعبیر «الصلاة علی ما افتتحت» دارد که سه روایت در این رابطه وجود داشت؛

1-صحیحه عبدالله بن مغیره: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ فِي كِتَابِ حَرِيزٍ أَنَّهُ قَالَ: إِنِّي نَسِيتُ أَنِّي فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ حَتَّى رَكَعْتُ وَ أَنَا أَنْوِيهَا تَطَوُّعاً قَالَ فَقَالَ هِيَ الَّتِي قُمْتَ فِيهَا إِنْ كُنْتَ قُمْتَ وَ أَنْتَ تَنْوِي فَرِيضَةً ثُمَّ دَخَلَكَ الشَّكُّ فَأَنْتَ فِي الْفَرِيضَةِ وَ إِنْ كُنْتَ دَخَلْتَ فِي نَافِلَةٍ فَنَوَيْتَهَا فَرِيضَةً فَأَنْتَ فِي النَّافِلَةِ وَ إِنْ كُنْتَ دَخَلْتَ فِي فَرِيضَةٍ ثُمَّ ذَكَرْتَ نَافِلَةً كَانَتْ عَلَيْكَ فَامْضِ فِي الْفَرِيضَةِ.[[1]](#footnote-1)

روایت دوم و سوم روایتی بود که شیخ طوسی از تفسیر عیاشی نقل کرده است:

عَنْهُ عَنْ حَمْدَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَامَ فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ فَصَلَّى رَكْعَةً وَ هُوَ يَنْوِي أَنَّهَا نَافِلَةٌ قَالَ هِيَ الَّتِي قُمْتَ فِيهَا وَ لَهَا وَ قَالَ إِذَا قُمْتَ وَ أَنْتَ تَنْوِي الْفَرِيضَةَ فَدَخَلَكَ الشَّكُّ بَعْدُ فَأَنْتَ فِي الْفَرِيضَةِ عَلَى الَّذِي قُمْتَ لَهُ وَ إِنْ كُنْتَ دَخَلْتَ فِيهَا تَنْوِي نَافِلَةً ثُمَّ إِنَّكَ تَنْوِيهَا بَعْدُ فَرِيضَةً فَأَنْتَ فِي النَّافِلَةِ وَ إِنَّمَا يُحْسَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ الَّتِي ابْتَدَأَ فِي أَوَّلِ صَلَاتِهِ.[[2]](#footnote-2)

**مرحوم خویی فرموده اند**: هر چند سند شیخ به کتاب عیاشی ضعیف است ولی صحیحه عبدالله بن مغیره مشکلی ندارد. جالب است که ایشان در مسأله 12 از احکام اوقات صلاة در موسوعه جلد 11 صفحه 406 فرموده اند صحیحه عبدالله بن مغیره در مورد نسیان است که کسی نماز فریضه را شروع کرد و بعد فراموش کرد و نیّت نافله کرد و ربطی به بحث ما ندارد که می داند ابتدای نماز قصد نماز عصر کرده است و اشتباهش این است که فکر می کند نماز ظهر نخوانده است و عمداً به نماز ظهر عدول کرده است و از روی اشتباه نبوده است و منشأ این عدول عمدی جهل مرکب بود و فکر می کرد قبلاً نماز ظهر را نخوانده است ولی به هر حال عدول به ظهر، عمدی بود.

به نظر ما این اشکالی که مرحوم خویی مطرح نموده اند اشکالی قوی است.

ایشان فرموده است دلالت این دو روایتی که از کتاب عیاشی نقل شده است خوب است و تنها سند ایراد دارد. در حالی که به نظر ما شبهه انصراف «انما یحسب للعبد من صلاته اللتی ابتدأ فی أول صلاته» به فرض عدول نسیانی قوی است و عدول عمدی را شامل نمی شود و موردش هم عدول نسیانی است و ما یصلح للقرینیه است که مراد از «انما یحسب للعبد من صلاته اللتی ابتدأ فی أول صلاته» این است که به عدول نسیانی اعتنا نمی شود و ربطی به بحث ما که عدول عمدی است ندارد و لذا اشکال به صاحب عروه قوی است.

توجّه شود مسأله قبلی که می گفت اگر در غیر موضع عدول، عدول کند شبهه حکمیه بود ولی اینجا شبهه موضوعیه است یعنی فکر می کند نماز ظهر نخوانده است و برای این عدول کرده است و بعد می فهمد قبلاً نماز ظهر نخوانده است. لذا أقوی یا حداقل احتیاط واجب این است که نماز باطل است و انصافاً فتوای به صحت این نماز خیلی مشکل است مگر از باب خطای در تطبیقی که آقای سیستانی بیان فرمودند و این نوع خطای در تطبیق که قصد امتثال این أمر موجود بالفعل شارع را داشته باشد تا خطای در توصیف شود، معمولاً برای مردم پیش نمی آید.

البته توجّه شود که آقای سیستانی فرموده اند معلوم نیست صحیحه عبدالله بن مغیره که تعبیر «قال فی کتاب حریز أنه قال» داشت روایت از امام باشد و شاید فتوای زراره باشد و این دو روایت نیز از کتاب عیاشی است که سند شیخ به کتاب عیاشی ضعیف است. ما قبلاً این را بحث کردیم و جواب دادیم. أما مورد این روایات عدول نسیانی است.

تذکّر: روایاتی که راجع به عدول از نماز وتر و أمثال آن وجود دارد را بررسی کردیم و سه روایت است که سندشان ضعیف است و چون صاحب عروه مطرح نکرده است ما نیز مطرح نکردیم.

# مسأله 26 (عدول پیاپی)

لا بأس بترامي العدول ‌كما لو عدل في الفوائت إلى سابقة فذكر سابقة عليها فإنه يعدل منها إليها و هكذا‌

عدول پیاپی و سلسله وار اشکال ندارد؛ مثال صحیح که همه قبول دارند این است که در حین خواندن نماز عصر یادش بیاید نماز ظهر نخوانده است که به نماز ظهر عدول می کند و بعد یادش بیاید نماز صبحش قضا شده است که به نماز صبح عدول می کند که ترامی العدول بوده و کاملاً منطقی و مشروع است: وجه عدول به نماز ظهر «فانوها الاولی» است و وجه عدول از نماز ظهر به نماز قضای صبح روایات آمره به عدول از حاضره به فائته است.

آنچه صاحب عروه مثال می زند این است که در قضای فوائت عدول از لاحقه به سابقه مشروع است: از قضای نماز صبح به قضای نماز عشاء بعد به قضای نماز ظهر و هکذا. آقای سیستانی فرموده اند این را قبول نداریم زیرا دلیل عدول در قضای فوائت روایت عبدالرحمن بن أبی عبدالله بود که سند آن را قبول ندارم و لذا این مثال صاحب عروه را اشکال می کنند. ما سند روایت عبدالرحمن را قبول کردیم ولی در دلالت آن مناقشه داشتیم و تنها عدول از قضای نماز عشاء به قضای نماز مغرب همان شب و از قضای نماز عصر به قضای نماز ظهر همان روز اشکال ندارد. آقای سیستانی تنها عدول از حاضره لاحقه به حاضره سابقه و عدول از حاضره به فائته را مشروع می دانند ولی عدول از فائته به فائته سابقه را که مشهور قبول دارند ایشان قبول ندارد.

# مسأله 27 (عدول بعد از فراغ)

لا يجوز العدول بعد الفراغ إلا في الظهرين‌ إذا أتى بنية العصر بتخيل أنه صلى الظهر فبان أنه لم يصلها حيث إن مقتضى رواية صحيحة أنه يجعلها ظهرا و قد مر سابقا‌

عدول بعد از فراغ از نماز معنا ندارد و جایز نیست مگر یک مورد که در صحیحه زراره بیان شده است (و آقای سیستانی سند را قبول نداشتند): «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا نَسِيتَ صَلَاةً ...وَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الظُّهْرَ وَ قَدْ فَاتَتْكَ الْغَدَاةُ فَذَكَرْتَهَا فَصَلِّ الْغَدَاةَ أَيَّ سَاعَةٍ ذَكَرْتَهَا وَ لَوْ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ مَتَى مَا ذَكَرْتَ صَلَاةً فَاتَتْكَ صَلَّيْتَهَا وَ قَالَ إِنْ نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَ فَرَاغِكَ فَانْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ ...[[3]](#footnote-3)»

صاحب عروه به خاطر صحیحه زراره عدول از عصر به ظهر را بعد از فراغ از نماز تجویز کرده اند و مرحوم خویی نیز تأیید نموده اند و فرموده اند اعراض مشهور موهن نیست، و احتیاط کردن به این که یک نماز به نیّت ما فی الذمه انجام دهد اشکالی ندارد و اگر کسی بخواهد طبق فتوا عمل کند باید در این نماز جدید قصد عصر کند زیرا نماز قبلی نماز ظهر شد.

آقای سیستانی فرموده اند شاید وجه اعراض مشهور همین باشد که معلوم نیست این جمله کلام معصوم باشد و شاید فتوای زراره باشد که این را قبلاً جواب دادیم و صحیح ندانستیم.

ما نیز اعراض مشهور را موهن نمی دانیم و لذا نماز جدید را به نیت نماز عصر می خواند.

**نکته ای در اینجا بیان می کنیم**: تعبیر «فانوها الاولی» واجب شرطی و نفسی است یا ارشاد است؟ اگر ارشاد باشد به این معنا است که این نماز، نماز ظهر شد نه این که اختیار با تو باشد تا بگویی قصد نمی کند و لذا تعبیر «فانوها الاولی» مانند «فابن علی الاربع» در شک بین سه و چهار است که به معنای بنای عملی است اینجا هم می گوید عملاً این نماز را نماز ظهر حساب کن و نماز ظهر حساب کردن به دست تو نیست «انما هی اربع مکان اربع». أما اگر واجب شرطی و نفسی باشد به این معنا است که واجب است نیّت عدول شود. البته وجوب نفسی که اگر نیت عدول نکند واجبی را ترک کرده باشد و گناه کرده باشد محتمل نیست و تنها وجوب شرطی محتمل است که اگر نیّت عدول کند این نماز، نماز ظهر می شود. حال اگر نیّت عدول نکند چه می شود؟ آیا این نماز باطل است یا عصر می شود یا اختیار با خود شخص است و اگر نیّت عدول کند ظهر شود و اگر نیّت عدول نکند عصر می شود؟ این ها خلاف ظاهر روایت است و ظاهر «انما هی اربع مکان اربع» این است که این چهار رکعت نماز ظهر است.

## ثمره جواز عدول از عصر به ظهر بعد از فراغ

**این بحث ثمراتی دارد که برخی از این ثمرات را بیان می کنیم؛**

جایی که نماز ظهر و عصر خوانده می شود و علم اجمالی پیدا شود یکی از این دو نماز باطل است طبق «انما هی اربع مکان اربع» یقیناً نماز ظهر خوانده شده است زیرا یا نماز ظهر صحیح است و یا نماز عصر صحیح است که جای نماز ظهر قرار می گیرد و لذا یقیناً نماز ظهر امتثال شده و یقیناً نماز عصر امتثال نشده است. نتیجه این می شود که قاعده فراغ در این دو نماز با یکدیگر تعارض نمی کنند زیرا قاعده فراغ حکم ظاهری است و در اینجا علم به واقع وجود دارد که نماز ظهر قطعاً خوانده شده است و نماز عصر قطعاً نخوانده شده است. تا اینجا ثمره عملی ندارد ولی اگر صحّت نماز أول أثر داشته باشد و قاعده فراغ نه برای احراز امتثال نماز ظهر بلکه برای تصحیح نماز أول جاری شود به این جهت که نیت اقامه کرده است و یک نماز چهار رکعتی خوانده است و بعد از نیّت اقامه عدول کرده و یک نماز چهار رکعتی دیگر خواند.

نگویید که قاعده فراغ در نماز اول با قاعده فراغ در نماز دوم تعارض و تساقط می کنند و لذا احراز نمی شود که قبل از عدول از نیّت اقامه یک نماز چهار رکعتی صحیح خوانده شده است؛ زیرا یقیناً نماز ظهر خوانده شده است و یقیناً نماز عصر خوانده نشده است و لذا قاعده فراغ در نماز دوم به چه دلیل جاری شود و قاعده فراغ در نماز أول نیز برای أثر موضوعی جاری می شود و برای احراز امتثال نماز ظهر جاری نمی شود و أثر موضوعی نماز أول این است که: «اذا اتیت برباعیه صحیحه قبل العدول عن نیة الاقامه فصل تماما». پس قاعده فراغ برای نماز دوم أثر طریقی ندارد یعنی مفید برای احراز امتثال نماز عصر نیست و نماز عصر یقیناً خوانده نشده است و قاعده فراغ برای نماز أول نیز أثر طریقی ندارد ولی به خاطر این که أثر موضوعی دارد جاری می شود و حکم می کند که تا آخری که در این مکان اقامه دارد باید نماز چهار رکعتی بخواند.

**ثمره دیگری که در منهاج مطرح شده است این است که**: کسی به سفر رفته و نماز ظهر دو رکعتی خواند و بعد نیّت اقامه کرد و نماز عصر چهار رکعتی خواند و بعد از نیت اقامه عدول کرد؛ مشکل از اینجا پیش می آید که علم اجمالی پیدا می کند که یکی از این دو نماز باطل بوده است به این خاطر که رکوع زیاد یا کم کرده است که نوع آقایان به «انما هی اربع مکان اربع» توجّه نداشته اند حتّی کسانی که این قاعده را قبول داشته اند و گفته اند قاعده فراغ در این دو نماز تعارض و تساقط می کند و أصل این است که نماز چهار رکعتی صحیحه بعد از نیّت اقامه و قبل از عدول از نیّت اقامه خوانده نشده است و لذا باید نماز شکسته بخواند. بعد از تعارض و تساقط قاعده فراغ، نوبت به أصل طولی استصحاب عدم اتیان به رباعیه صحیحه بعد از نیت اقامه است و ثابت می کند که باید نماز قصر بخواند.

ما به یکی از بزرگانی که مرحوم شده اند گفتیم که این مطلب صحیح نیست و طبق قاعده «انما هی اربع مکان اربع» قاعده فراغ در نماز عصر بدون معارض جاری است؛ زیرا یا أولی نماز ظهر صحیح است و یا اگر أولی باطل است نماز دوم جایگزین نماز ظهر می شود و یقیناً أمر به نماز ظهر را امتثال کرده است و یقیناً أمر به نماز عصر را امتثال نکرده است و قاعده فراغ در نماز أول أثر ندارد ولی قاعده فراغ در نماز دوم أثر موضوعی دارد و أثر آن این است که باید نماز ها را تمام بخواند. ایشان نیز پذیرفتند و در منهاج الصالحین که چاپ کردند بر عکس دیگران بیان نمودند که بنای بر تمام گذاشته می شود.

بقیه مطالب بحث شده است و ان شاء الله روز دوشنبه مطالب مربوط به تکبیرة الاحرام را بیان می کنیم.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص363.](http://lib.eshia.ir/11005/3/363/%D8%AF%D8%AE%D9%84%DA%A9%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص382.](http://lib.eshia.ir/10083/2/382/%DB%8C%D8%AD%D8%B3%D8%A8%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص292.](http://lib.eshia.ir/11005/3/292/%D9%86%D8%B3%DB%8C%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-3)